همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم به سفری رفتیم که مردم سختی های فراوانی در آن دیدند.

از زید بن ارقم رضی الله عنه روایت است که می گوید: همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم به سفری رفتیم که مردم سختی های فراوانی در آن دیدند. عبدالله بن اُبَی گفت: به آنان که نزد رسول الله هستند، انفاق نکنید تا پراکنده شوند. و علاوه بر آن گفت: اگر به مدینه بازگردیم، اشراف و عزتمندان، ذلیلان و فرومایگان را بیرون می کنند. لذا نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدم و این مساله را به اطلاع ایشان رساندم که رسول الله صلی الله علیه وسلم به دنبال عبدالله بن ابی فرستاد. عبدالله بن ابی با تأکید فراوان سوگند یاد کرد که چنین نگفته است. تا جایی که دیگران گفتند: زید به رسول الله صلی الله علیه وسلم دروغ گفته است. [زید می گوید:] این سخن مرا سخت آشفته و غمگین کرد تا اینکه الله متعال در تصدیق من «إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ» [یعنی سوره ی «منافقون»] را نازل کرد. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم آنان را به حضور خواست تا برای شان درخواست آمرزش کند؛ ولی آنان نپذیرفتند و - متکبرانه - روی گرداندند.

[صحیح است] [متفق علیه]

زید بن ارقم رضی الله عنه ذکر می کند که ایشان به همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم در سفری بود که مومنان و منافقان در آن شرکت داشتند و چون مردم از توشه ی اندکی برخوردار بودند، دچار سختی های فراوانی شدند؛ در این شرایط عبدالله بن ابی بن سلول - رئیس و رهبر جبهه ی کفر و نفاق - گفت: «لَا تُنفِقُوا عَلَى مَنْ عِندَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنفَضُّوا» [منافقون: 7] «به کسانی که نزد رسول الله هستند [چیزی] انفاق نکنید تا [از گِرد او] پراکنده شوند». یعنی چیزی به آنها انفاق نکنید تا گرسنه شوند و پراکنده گردند و رسول الله صلی الله علیه وسلم را ترک کنند. و همچنین گفت: «لَئِن رَّجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ»: [منافقون: 8] « اگر به مدینه بازگردیم، یقیناً صاحبان عزت، فرومایگان را از آنجا بیرون می کنند». و منظورش از صاحبان عزت، خودش و همراهانش بود و مقصودش از فرومایگان رسول الله صلی الله علیه وسلم؛ وقتی عبدالله بن ابی این سخنان را گفت، زید بن ارقم رضی الله عنه آنها را شنید، پس نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده و ایشان را در جریان گذاشت که عبدالله بن ابی چنین و چنان گفته و در مورد او هشدار داد. این بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم به دنبال عبدالله بن ابی فرستاد و در این مورد از وی تحقیق نمود؛ اما او سوگندها خورد که چنین نگفته است؛ و این روش و عادت منافقان بود که به دروغ قسم می خوردند. به هر حال قسم خورد که چنین چیزی نبوده است؛ و رسول الله صلی الله علیه وسلم ظاهر آنها را می پذیرفت و باطن شان را به الله واگذار می کرد؛ زمانی که این خبر به زید بن ارقم رسید، برایش گران تمام شد چون عبدالله بن ابی با تاکید فراوان در انکار خبر زید نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم سوگند یاد کرده بود؛ تا جایی که دیگران گفتند: زید بن ارقم خبر دروغی را به رسول الله صلی الله علیه وسلم انتقال داده است. وضعیت به همین صورت بود و زید بن ارقم در تنگنا قرار گرفته بود تا اینکه الله متعال سوره ی منافقون را در تصدیق او نازل کرد. پس از آن بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم منافقان و در راس آنها عبدالله بن ابی را فراخواند تا به خاطر آنچه گفته بودند، برای آنها طلب مغفرت کند، اما آنها متکبرانه و جهت تحقیر رسول الله صلی الله علیه وسلم از اینکه برای آنها نزد الله طلب مغفرت کند، روی برگرداندند.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/3861